

صحابه

در میزان قرآن و تاریخ

مؤلف:

نور الله بن ابی دوست خراسانی

عضو هیئت علم دانشگاه امام صادق (ع)

www.ketab.ir



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: صحابه در میزان قرآن و تاریخ
تألیف: نورالله علیدوست خراسانی
ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام
صفحه آرا و ویراستار ادبی: رضا عبداللهی بجنیدی
طراح جلد (یونیفرم): محمد روشنی
نمابه ساز و ناظر نسخه پردازی و چاپ: رضا دبیا
چاپ و صحافی: چاپ سپیدان تهران
چاپ اول: ۱۳۹۷
قیمت: ۱۶۰/۰۰۰ ریال
ماران: ۱۰۰۰ نسخه
شک: ۶۵۱-۲۱۴۶۵۱-۶۰۰-۹۷۸

تهران: بزرگراه شهید چمران، پلا. مد. ۱۳۶۱، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پست ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
فروشگاه اینترنتی: [E-mail: press@isu.ac.ir](mailto:press@isu.ac.ir) • www.ketabesadiq.ir

سرشناسه: علیدوست خراسانی، ۱۳۶۱-

عنوان و نام پدیدآور: صحابه در میزان قرآن و تاریخ / مؤلف: علیدوست خراسانی.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲۲۳ص.

شابک: ۶۵۱-۲۱۴۶۵۱-۶۰۰-۹۷۸

موضوع: صحابه

موضوع: صحابه - احادیث

موضوع: صحابه در قرآن

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ص ۳ ع ۸ / ۷/ ۲۲۳ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵۴

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۷۵۵۳۱

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست مطالب

۱۳	 سخن ناظر
۱۵	 مقدمه
۲۱	 فصل اول: نقش صحابه در دوران پیامبر اکرم (ﷺ)
۲۱	 ۱. بررسی عدالت و عبادت صحابه
۲۲	 ۲. صحابی کیست؟
۲۳	 ۳. عدالت یاران پیامبر (ﷺ) در حکمت اهل سنت
۲۶	 ۴. ارزیابی این گفتار بی اساس
۲۹	 ۵. یاران پیامبر در قرآن
۲۹	 ۱-۵. تمجیدشدگان صحابه در قرآن
۲۹	 ۱-۱-۵. پیشگامان در ایمان
۳۰	 ۲-۱-۵. بیعت کنندگان زیر درخت
۳۰	 ۳-۱-۵. هجرت کنندگان از بلاد شرک
۳۱	 ۴-۱-۵. همراهان پیامبر با صفات ویژه
۳۱	 ۲-۵. نکوهش شدگان صحابه در قرآن
۳۱	 ۱-۲-۵. منافقان شناخته شده
۳۲	 ۲-۲-۵. منافقان ناشناخته
۳۲	 ۳-۲-۵. بیمار دلان
۳۳	 ۴-۲-۵. اثر پذیران و دهنینان
۳۳	 ۵-۲-۵. آنان که کار نیک و زشت را به هم آمیخته اند
۳۳	 ۶-۲-۵. پیشتازان تا مرز ارتداد

- ۵-۲-۷. متظاهران به ایمان ۳۴
- ۵-۲-۸. فاسقان یا گروه گنهکار ۳۴
- ۵-۲-۹. هواداران اسلام (المؤلفة قلوبهم) ۳۵
- ۵-۲-۱۰. فراریان از میدان نبرد ۳۶
- الف. چه کسانی فرار کردند؟ ۳۷
- ب. توجیه نویسنده المنار در خصوص فرار برخی از صحابه ۳۸
۶. نحوه قتل پیامبر و بی حرمتی ها از سوی برخی صحابه ۳۸
- ۶-۱. داستان عقبه در غزوه تبوک ۳۸
- ۶-۲. بهتان زرنگ (افک) بر حریم رسول خدا (ﷺ) توسط برخی از صحابه ۳۹
- ۶-۳. ماجره حضور رسول خدا (ﷺ) ۴۰
- ۶-۴. رها کردن سر (ﷺ) در حال خطبه خواندن نماز جمعه توسط برخی از صحابه ۴۱
۷. بررسی عدالت صحابه در ایدیه ۴۲
- ۷-۱. بدعت گذاری و دگرگون کردن آیین پیامبر (ﷺ) ۴۲
- ۷-۲. بازگشت به دوران جاهلیت ۴۳
- ۷-۳. خبر دادن رسول خدا از این بدعت ها ۴۴
۸. بررسی عدالت صحابه در آینه تاریخ ۴۵
- جمع بندی ۴۶
- فصل دوم. افسانه اجتهاد صحابه ۴۹
۱. اجتهاد از نظر اهل تشیع و تسنن ۵۲
۲. معنای اجتهاد ۵۵
- ۲-۱. اجتهاد از نظر لغت ۵۵
- ۲-۲. اجتهاد از نظر اصطلاح ۵۵
۳. اجتهاد و منابع آن از دیدگاه شیعه ۵۵
۴. اجتهاد از نظر اهل سنت ۵۹
- ۴-۱. اجتهادات استحسانی ۶۰
- ۴-۱-۱. قیاس چیست؟ ۶۱
- الف. انواع قیاس ۶۳

- ب. مناظره امام صادق (ع) با ابو حنیفه ۶۴
- ۲-۱-۴. استحسان ۶۷
- الف. اختلاف فرقه‌های مسلمان در عمل به استحسان ۶۸
- ب. تعریف استحسان از دیدگاه غزالی ۶۸
- ۳-۱-۴. استصلاح یا مصالح مرسله ۶۹
- الف. معنای مصالح مرسله ۶۹
- ۴-۱-۴. سد ذرایع ۷۰
۵. برخی منابع معتبر از نظر فقهای عامه ۷۱
۶. اجتهاد رأی یا اجتهاد در برابر نص ۷۲
۷. سلفا، اجتهاد در برابر نص ۷۲
- ۷-۱. ابوبکر و قطع کردن سهم (مؤلفه قلوبهم) ۷۲
- ۲-۷. اسفا، سهم القربی ۷۳
- ۳-۷. اجتهاد ابوبکر بر نص آیات ۷۳
- ۴-۷. اجتهاد عمر درباره شراب و آیات آن ۷۴
- ۵-۷. نماز تراویح اجتهاد مرسله برابر نص ۷۵
- ۶-۷. خودداری از کشتن ذوالنبدیه ۷۹
- ۷-۷. جلوگیری از نوشتن احادیث پیامبر و رزاندن آنها و اذیت کردن حضرت زهرا (ع) ۸۰
۸. اجتهادات عثمان ۸۰
- ۸-۱. بذل و بخشش به خویشان خود ۸۰
- ۸-۲. اجتهاد عثمان درباره نماز مسافر ۸۱
۹. اجتهادات عایشه در برابر نص ۸۲
- ۹-۱. نماز عایشه در سفر ۸۲
۱۰. اجتهادات معاویه بن ابی سفیان در برابر نص ۸۲
- ۱۰-۱. معاویه و نماز مسافر ۸۴
- ۱۰-۲. استدلال‌های سست ابن حجر در دفاع از معاویه و اجتهاد او ۸۵
- ۱۰-۳. افسانه اجتهاد سپری برای جنایتکاران ۸۶
- ۱۰-۳-۱. اجتهاد ابن ملجم ۸۶
- ۱۰-۳-۲. اجتهاد یزید بن معاویه ۸۷

۱۱. اقسام حدیث و راویان آن از دیدگاه نهج البلاغه ۸۹
۱۲. دیدگاه امام علی (ع) درباره روایت صحابی بودن ۹۰
- ۱-۱۲. همه صحابه عادل نیستند ۹۰
۱۳. منافقان بعد از رسول خدا (ص) ۹۲
- ۱-۱۳. جعل احادیث از سوی منافقان ۹۲
- ۲-۱۳. حافظان واقعی حدیث ۹۲
- جرح‌بندی ۹۳
- فصل سوم. نوآوری احادیث و نقش معاویه در جعل آن ۹۵
- مقدمه ۹۵
۱. فرمان رسول جعل حدیث از سوی معاویه ۹۸
۲. معاویه از دوره ن پادشاهت نفرین شده ۹۸
۳. انگیزه معاویه از فرمان جعل سازی ۱۰۰
- ۱-۳. از بین بردن نام پیامبر (ص) ۱۰۰
- ۱-۳. مغیره بن شعبه و معاویه دو شاه تاریخی ۱۰۰
- ۲-۳. گفتگوی معاویه با ابن عباس ۱۰۳
۴. دیدگاه ابن ابی الحدید درباره فرمان رسمی جعل حدیث از سوی معاویه ۱۰۴
۵. جوایز معاویه برای جعل حدیث درباره خاندان و صحابه ۱۰۴
۶. بخشنامه معاویه به کارگزاران مبنی بر جعل نظیر فضائل ابوتراب برای خلفاء ۱۰۶
۷. یک قاعده اساسی در جعل فضائل ۱۰۸
۸. بررسی منابع و مدارک احادیث صحابه ۱۱۰
- ۱-۸. صحیحین صحیح‌ترین کتاب‌ها پس از قرآن ۱۱۰
- ۱-۱-۸. صحیحین از دیدگاه نووی ۱۱۰
- ۲-۱-۸. صحیحین از دیدگاه امام الحرمین ۱۱۰
- ۲-۸. ادعای بخاری درباره صحت احادیث صحیح بخاری ۱۱۱
- ۱-۲-۸. خواب جعلی بخاری درباره صحیح بخاری ۱۱۲
- ۲-۲-۸. خواب‌های ساختگی دیگران درباره بخاری و صحیح او ۱۱۲
- ۳-۸. ادعای مسلم نیشابوری درباره صحت احادیث مسلم ۱۱۳
- ۴-۸. جعل خواب تأیید صحیحین از طرف پیامبر (ص) ۱۱۴

- ۵-۸. انتقاد برخی از دانشمندان اهل سنت از صحیحین ۱۱۴
- ۱-۵-۸. انتقاد فاضل نووی از صحیحین ۱۱۴
- ۲-۵-۸. انتقاد ابوزرعه از صحیحین ۱۱۵
- ۳-۵-۸. انتقاد احمد امین مصری از صحیح بخاری ۱۱۶
- ۶-۸. بررسی راویان صحیحین ۱۱۷
۹. تبیین معیارهای شناخت احادیث نبوی ۱۱۷
- ۱-۹. موافقت حدیث با قرآن ۱۱۸
- ۲-۹. دیدگاه شیخ انصاری درباره عمل نکردن به اخبار مخالف کتاب و سنت ۱۲۰
- ۳-۹. روال: تشخیص موافقت یا مخالفت حدیث با قرآن بر عهده کیست؟ ۱۲۱
- ۵-۹. باج: رجوع به اهل ذکر (پیامبر و خاندان معصوم او) ۱۲۱
- ۵-۹. خاندان را (ربینة) سرچشمه‌های علوم ۱۲۶
- ۶-۹. دانش! از چه سنی فرامی‌گیرید؟ ۱۲۹
- ۷-۹. سؤال: این همه کید: درباره رجوع به کتاب و سنت و اهل بیت چرا؟ ۱۳۱
- ۸-۹. پاسخ: به خدا بگو! علم عطف اینجاست ۱۳۱
۱۰. راوی ۱۳۴
- ۱-۱۰. شرایط راوی ۱۳۴
- ۲-۱۰. راه‌های شناختن راوی ۱۳۵
- ۳-۱۰. جرح و تعدیل راوی ۱۳۶
- ۱-۳-۱۰. معنای جرح و تعدیل ۱۳۶
- الف. الفاظ توثیق و مدح ۱۳۶
- ب. الفاظ جرح ۱۳۶
- ۱-۳-۱۰. حکم تعارض جرح و تعدیل ۱۳۷
- ۴-۱۰. معنی عدالت راوی ۱۳۷
- ۵-۱۰. راه‌های اثبات وثاقت راوی ۱۳۸
- ۱-۵-۱۰. شهادت امام معصوم (علیه السلام) و ارجاع دادن به ثقات ۱۳۸
- ۲-۵-۱۰. راویان اصحاب اجماع ۱۴۲
- ۳-۵-۱۰. وکالت از امام معصوم (علیه السلام) ۱۴۳
۱۱. حدیث جعلی بدترین نوع حدیث ۱۴۳
- ۱-۱۱. برخی از نشانه‌های حدیث جعلی ۱۴۳

- ۱۱-۲. معیار شناخت احادیث صحیح از نظر دانشمندان اهل تسنن..... ۱۴۵
- ۱۱-۲-۱. صحابی بودن راوی به دلیل معصوم بودن از خطا..... ۱۴۵
۱۲. صحابه از دیدگاه صحیفه سجادیه..... ۱۴۹
۱۳. اصحاب پیامبر دوازده هزار مرد بودند..... ۱۴۹
- ۱۳-۱. نقدی بر سخن ابوالمعالی جوینی در خصوص صحابه پیامبر (علیهم السلام)..... ۱۵۰
- ۱۳-۲. اصحابی کالنجوم از احادیث مجعول عصر اموی..... ۱۵۲
۱۴. حدیث جعلی در مذمت امیر مؤمنان (علیه السلام) به دستور معاویه..... ۱۵۲
- ۱۴-۱. عباس و علی بر دین من نخواهند مرد..... ۱۵۳
- ۱۴-۲. سر و تحریف قرآن به دستور معاویه..... ۱۵۸
- ۱۴-۱-۱. تریف آیات لیلۃ المیت..... ۱۵۸
- ۱۴-۲. حدیث جعلی در باره حدیث منزلت..... ۱۶۰
- الف. استناد به ابن عباس و قاص به حدیث منزلت در پاسخ معاویه..... ۱۶۲
- ب. حدیث ساختگی در دست ابوبکر و عمر..... ۱۶۳
- ج. علی با حق است، حو با حق است..... ۱۶۳
- د. حدیث جعلی حق با عمر است و کجا باشد..... ۱۶۴
- هـ. هفتصد نفر از حدیث سازان..... ۱۶۴
- ۱۴-۲-۳. حدیث ساختگی نامه پیامبر به امیر یمن..... ۱۶۶
- ۱۴-۲-۴. حدیث جعلی درباره خوردنی ها..... ۱۶۸
- ۱۴-۲-۵. جعل حدیث درباره برخی از قبائل..... ۱۶۸
- الف. اخبار ساختگی درباره فضیلت عرب..... ۱۶۸
- ب. حدیث جعلی درباره مردم یمن..... ۱۷۰
- ۱۴-۲-۶. احادیث ساختگی درباره فضایل بنی عباس..... ۱۷۰
- ۱۴-۲-۷. حدیث ساختگی بهترین قرن ها قرن من است..... ۱۷۲
- ۱۴-۲-۸. جعل حدیث درباره مکان ها (خوبی و بدی شهرها)..... ۱۷۳
۱۵. مروری دوباره بر صحیحین..... ۱۷۳
- ۱۵-۱. مروری بر رواة صحیحین (آیا رواات صحیحین ثقه و عادلند؟)..... ۱۷۴
- ۱۵-۱-۱. ابوموسی اشعری..... ۱۷۶
- الف. ابوموسی کیست؟..... ۱۷۶
- ب. ابوموسی دشمن خدا و پیامبر (علیه السلام)..... ۱۷۷

- ج. ابوموسی و توطئه علیه پیامبر در لیلۃ عقبه ۱۷۷
- د. ابوموسی از دیدگاه امام (علیه السلام) ۱۷۸
- هـ. ملاقات عمرو و عاص و ابوموسی در دومة الجندل ۱۸۰
- و. اعتراف عمرو و عاص به فریب دادن ابوموسی ۱۸۱
- ز. ابوموسی و بازداشتن مردم از یاری امیر مؤمنان (علیه السلام) در جنگ جمل ۱۸۲
- ح. دیدگاه ابوموسی درباره جنگ جمل و صفین؛ جنگ جمل فتنه است ۱۸۳
- ۱۵-۲. ادعای مسلم نیشابوری در نقل از روات موثق ۱۸۷
- ۱۵-۲-۱. ادعای مسلم یا استناد به آیات قرآن ۱۸۷
- الف. آیه نبأ و پذیرفتن شهادت عادل ۱۸۷
- ب. آیا تمام اسناد متصل به ثقه است؟ ۱۸۸
- ۱۵-۳. ادعای کرانی شارح صحیح بخاری ۱۸۸
- ۱۵-۳-۱. تمام روایات بخاری موثق اند ۱۸۸
- ۱۵-۳-۲. نه می توان این عاهای بی اساس و انگیزه جعل این احادیث ۱۸۸
- ۱۵-۳-۳. فساد افلاک در دستگاه های حاکمه ۱۸۹
- جمع بندی ۱۹۱
- منابع و مآخذ ۱۹۷
- نمایه ۲۱۳

مقدمه

مبانی و اوراق در تنزیه صحابه

جمع از برادران اهل سنت از احترام و اهمیتی که قرآن برای مهاجران اولین (توبه/ آیه ۱۰۰) قائم شده، خواسته‌اند چنین استفاده کنند که آنها تا پایان عمر مرتکب هیچ‌گونه خلافی نشدند و باید بدون چون و چرا همه را بدون استثناء محترم بشماریم. پس این موضوع را به خاطر تمجیدی که قرآن از آنها در جریان بیعت رضوان و غیر از سرده، عمیم داده‌اند و عملاً صحابه را بدون در نظر گرفتن اعمالشان انسان‌های استثنائی شمرده و اجازه هر گونه نقد و بررسی در کارهایشان را از خود سلب کرده‌اند.

شک نیست که «صحابه» مخصوصاً مهاجران نخستین احترام خاصی دارند ولی این احترام آنان تا زمانی بوده است که در مسیر حج گام برمی‌داشتند و فداکاری به خرج می‌دادند اما از آن روز که گروهی از صحابه از مسیر واقعی اسلام منحرف شدند، مسلماً قضاوت قرآن درباره آنها چیز دیگری خواهد بود.

به‌طور مثال ما چگونه می‌توانیم طلحه و زبیر را در برابر شکستن بیعت و مخالفت با پیشوایی که گذشته از تصریح پیامبر (ﷺ) از طرف عموم مسلمانان و حتی خودشان انتخاب شده بود، تبرئه کنیم؟ ما چگونه می‌توانیم از این‌ها را از خون مسلمانانی که در میدان جنگ جمل به خاک ریخته شد بشوئیم کسی که

۱. آمار کشتگان جمل در تاریخ به طور دقیق ضبط نشده است و اختلاف زیادی در نقل آن به چشم می‌خورد شیخ مفید می‌نویسد: برخی آمار کشته‌شدگان را بیست و پنج هزار نفر نوشته‌اند در حالی که عبدالله زبیر (آنس‌افروز معرکه) این تعداد را شانزده هزار می‌داند سپس شیخ مفید قول دوم را ترجیح می‌دهد و می‌گوید مشهور این است که مجموع کشته‌ها چهارده هزار نفر بوده است (مفید، بی‌تألف: ۲۲۳). طبری در تاریخ خود آمار کشتگان را ده هزار نفر نقل کرده است و نیمی از آنان را مربوط به هواداران عایشه و نیم دیگر را از یاران امام (ع) می‌داند.

خون یک نفر را بی گناه به زمین بریزد، هیچ عذری در پیشگاه خدا نخواهد داشت هر کس که باشد تا چه رسد به این عده زیاد، اصولاً مگر می توان هم علی (علیه السلام) و یارانش را در میدان جنگ جمل بر حق دانست و هم طلحه و زبیر (جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به: علیدوست خراسانی، ۱۳۹۳: ۱۰۲) و بعضی دیگر از صحابه را که به آنها پیوسته بودند.

آیا هیچ منطق و عقلی این تضاد روشن را می پذیرد؟ آیا می توانیم با عنوان تنزیه صابیه، چشم روی هم بگذاریم و آنها را تافته جدا بافته بدانیم و سراسر تاریخ اسلام را بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دست فراموشی بسپاریم و ضابطه اسلامی «ان امرکم عندالله اتفاق» (حجرات / آیه ۱۳) را زیر پا بگذاریم. این چه قضاوت غیر منطقی است؟

اصولاً ما این را د که شخص یا اشخاصی یک روز در صف بهشتیان و طرفداران حق باشند و روز دیگری در صف دوزخیان و دشمنان حق قرار گیرند؟ مگر همه کسی معصوم است؟ مگر این همه دگرگونی در حالات اشخاص را با چشم خود ندیده ایم؟^۱

داستان اصحاب رده یعنی مرتد شدن جمعی از مسلمانان بعد از رحلت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را همه اعم از شیعه و اهل سنت در کتاب های خود نقل کرده اند که خلیفه اول به جنگ با آنها برخاست و آنها را بر سر جاء خود نشاندد. آیا هیچ یک از اصحاب رده، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را ندیده و در صف دوزخیان نبودند؟^۲

سیس نظر دیگری را نقل می کند که نتیجه آن با آنچه از عبدالله بن زرار نقل کردیم یکی است (سبحانی، ۱۳۷۴: ۴۵۲ به نقل از طبری، بی تا، ج ۳: ۵۴۳).

۱. برای نمونه می توان از شمر بن ذی الجوشن نام برد که از شگفتی های روزگار این است که در نبرد صفین به امام (علیه السلام) اخلاص می ورزید و در نبرد با یک شامی به نام ادهم ضربت سختی به پهلای او وارد آمد که استخوان آن را شکست او نیز به تلافی برخاست و ضربه شمشیری بر مبارز شامی وارد کرد که مؤثر واقع نشد. شمر برای تجدید قوا به خیمه خود بازگشت و آبی نوشید و نیزه ای بر دست گرفت و به میدان بازگشت و مشاهده کرد که همواره شامی او با رجا ایستاده است. او به مرد شامی مهلت نداد و نیزه خود را آتچنان بر او کوفت که او را از اسب به زمین افکند و اگر شامیان به دادش نرسیده بودند کار او را یکسره کرده بود. آنگاه شمر گفت این نیز در مقابل آن ضربت (سبحانی، ۱۳۷۴: ۶۰۷ به نقل از تاریخ طبری، بی تا، ج ۳: جزء ۶، ۱۸، این ابی الحدید، ۱۳۸۲ق، ج ۵: ۲۱۳)، اما همین شمر یک روز در برابر فرزند امیرمؤمنان (علیه السلام) یعنی حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) ایستاد که داستانش برای همه کس روشن است.

۲. دهخدا می نویسد: چون پیامبر (صلی الله علیه و آله) درگذشت جماعتی کثیر از عرب مرتد شدند و از مسلمانی بازگشتند و گفتند اگر او پیامبر بودی نمردی و زکوة باز گرفتند و ابوبکر به رأی خویش بی رأی احدی از صحابه با آنان

شگفت‌انگیزتر اینکه برای نجات از این تضاد و بن‌بست عجیب بعضی موضوع «اجتهاد» را دستاویز قرار داده و می‌گویند افرادی مانند طلحه و زبیر و معاویه و همکاران آنها مجتهد بودند و اشتباه کردند، اما گناهی از آنها سر نزد بلکه اجر و پاداش در برابر همین اعمالشان را از خداوند خواهند گرفت.

راستی چه منطق رسوائی است؟ مگر قیام بر ضد جانشینی پیامبر (ﷺ) و شکستن پیمان و ریختن خون هزاران بی‌گناه آن‌هم به خاطر جاه‌طلبی و رسیدن به مال و مقام، موضوع پیچیده و نامعلومی است که کسی از زشتی آن باخبر نباشد؟ آیا ریختن آن‌همه خون بی‌گناهان در پیشگاه خداوند اجر و پاداش دارد؟ اگر ما این چنین با اهِمِ گروهی از صحابه را که مرتکب جنایاتی شدند تبرئه کنیم به طور مسلحانه تنه‌کاری در دنیا وجود نخواهد داشت و با این منطق همه قاتلان و جانپایان و جباران، تبرئه خواهیم کرد.

اینگونه ذاع‌های رویه از صحابه سبب بدبینی به اصل اسلام خواهد شد. بنابراین چاره‌ای بر این بدبینی که برای همه، مخصوصاً صحابه پیامبر (ﷺ) احترام قائل شویم ولی تا آن رویه که از مسیر حق و عدالت و برنامه‌های اسلام منحرف نشده باشند، خلاصه اینکه سوف در میان علماء و دانشمندان اهل سنت این است که صحابه رسول الله (ﷺ) رای این امتیاز خاص بر افراد دیگر از امت هستند که همگی پاک و پاکیزه‌اند و از آلودگی، بدورند و ما حق انتقاد از هیچیک از آنها نداریم و بدگویی از آنها مطلقاً ممنوع است، حتی به گفته بعضی موجب کفر می‌شود، حرف درستی نیست و به این سادگی نمی‌توان این دیدگاه‌ها را پذیرفت. استدلال به آیات برای تنزیه صحابه

بعضی برای تنزیه صحابه به این آیه استدلال کرده‌اند که می‌فرماید: «پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و آنها که به نیکی از اسلام پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود و آنها (نیز) از او خشنود شدند و باغبانی از بهشت برای آنان فراهم ساختند که نهرها از زیر درختانش جریان دارد، جاودانه برای آنها خواهند ماند و این پیروزی بزرگی است»^۱ (توبه / آیه ۱۰۰).

جنگ‌ها داد بعضی را بکشتند و برخی را اسیر کردند و آنکه باز زکوة و اسلام بذیرقت از قتل و اسارت مصون ماند این مردان را اهل رده نامند (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۷: ۱۰۵۶۰). همچنین جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به: ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۴۲؛ یعقوبی، ۱۳۵۶: ۴؛ کلینی، ۱۳۸۳، ج ۸: ۲۴۵، حدیث ۳۴۱؛ جعفریان، ۱۳۷۷: ۲۸-۳۸، مسئله ارتداد؛ ابن جوزی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۰-۲۲.

۱. وَ السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ وَ أَعَدَّ لَهُمْ

آنان به این آیه استدلال می‌کنند که قرآن بعد از ذکر عنوان «مهاجرین» و «انصار» می‌گوید: رضی الله عنهم و رضوا عنه، خداوند از آنها خشنود و آنها نیز از خدا خشنود شدند. این آیه را بعضی دلیل قاطعی بر این گرفته‌اند که همه یاران پیامبر (ﷺ) پاک، درستکار، صالح، شایسته و اهل بهشتند که پیرامون این مطلب یک روایت از نظر تان می‌گذرد.

بسیاری از مفسران اهل سنت این حدیث را نقل کرده‌اند که حمید بن زیاد می‌گوید: نزد محمد بن کعب قرظی رفتم و به او گفتم درباره اصحاب رسول خدا (ﷺ) چه می‌گویی؟ گفت: جمیع اصحاب رسول الله (ﷺ) فی الجنة محسنهم و مسنهم - باران پیامبر (ﷺ) در بهشتند اعم از نیکوکار و بدکار و گنه‌کار. گفتم این سخن را از کجا می‌گویی؟ گفت این آیه را بخوان: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ...» تا آنجا که می‌فرماید: رضی الله عنهم و رضوا عنه (توبه / آیه ۱۰۰) سپس گفت: اما باره تابعین شرطی قائل شده و آن این است که آنان باید تنها در کارهای نیک از سه‌ای پیروی کنند (فقط در این صورت اهل نجاتند و اما صحابه چنین قید و شرطی ندارند).

ولی این ادعا به دلایل زیادی مدهوش‌گر قابل قبول است زیرا:

۱- حکم مزبور در آیه فوق شامل تابعین هم می‌شود و منظور از تابعان به اصطلاح گروهی از دانشمندان بر این است که علم نادمین را تنها به شاگردان صحابه می‌گویند یعنی آن عده‌ای که پیامبر (ﷺ) را ندیدند اما بعد از پیغمبر (ﷺ) به روی کار آمدند و علوم و دانش‌های اسلامی را وسعت بخشیدند و به تعبیر دیگر اطلاعات اسلامی خود را بدون واسطه از صحابه گرفتند و کسانی هستند که از روش مهاجران و انصار نخستین و برنامه‌های آنها پیروی می‌کنند و بر این باید تمام امت بدون استثناء اهل نجات باشند؟

اما اینکه در حدیث محمد بن کعب از این موضوع جواب داده شده که خداوند در تابعین قید احسان را ذکر کرده است. یعنی از برنامه نیک و روش صحیح

جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.

۱. حدیث این است: «روى عن أبي صخر حميد بن زياد قال: أنشد محمد بن كعب القرظي قُلْتُ لَهُ: مَا قَوْلُكَ فِي أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ (ﷺ)؟ فَقَالَ: جَمِيعُ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ (ﷺ) فِي الْجَنَّةِ مُحْسِنُهُمْ وَمُسْنُهُمْ. قُلْتُ: مِنْ أَيْنَ تَقُولُ هَذَا؟ قَالَ أَقْرَأُ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى: (وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ) - إِلَى أَنْ قَالَ: (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ) وَقَالَ: (وَالَّذِينَ آمَنُواهُمْ بِإِحْسَانٍ) شَرَطُ فِي التَّابِعِينَ شَرِيطَةٌ وَهِيَ أَنْ يُتَّبِعُوهُمْ فِي أَعْمَالِهِمُ الْحَسَنَةَ دُونَ السَّيِّئَةِ» (ارشيد رضا، بی‌تا، ج: ۱۱، ۱۶؛ فخر رازی، بی‌تا، ج: ۱۵-۱۶، ۱۷۱).

صحابه پیروی کنند نه از گناهشان. این سخن از عجیب‌ترین بحث‌ها است. چرا که مفهومش اضافه فرع «بر اصل» است جایی که شرط نجات تابعان و پیروان صحابه این باشد که در اعمال صالح از آنها پیروی کنند به طریق اولی باید این شرط در خود صحابه بوده باشد.

به تعبیر دیگر خداوند در آیه فوق می‌فرماید: «رضایت و خشنودی او شامل حال همه مهاجران و انصار نخستین که دارای برنامه صحیحی بودند و همه پیروان آنها است. نه اینکه می‌خواهد مهاجران و انصار را چه خوب باشند و چه بد مشمول رضایت خود قرار دهد اما تابعان را با قید و شرط می‌پذیرد.

۲- این موضوع دلیل عقل به هیچ‌وجه سازگار نیست زیرا عقل هیچگونه امتیازی برای یاران امیر (علیه السلام) بر دیگران قائل نمی‌باشد. چه تفاوتی میان ابوجهل‌ها و کسانی است که نخست ایمان آوردند سپس از آنین او منحرف شدند. و چرا کسانی که سال و قرار بعد از پیامبر (علیه السلام) قدم به این جهان گذاردند و فداکاری‌ها و جانبازی‌ها را در راه اسلام کمتر از یاران نخستین پیامبر (علیه السلام) نبود بلکه این امتیاز را داشتند که پیامبر (علیه السلام) را نادیده شناختند و به او ایمان آوردند مشمول این رحمت و حمایت الهی نباشند.

قرآنی که می‌گوید گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شما است، چگونه این تبعیض غیر منطقی را می‌پسندد؟ قرآنی که در آیات مختلفش به ظالمان و فاسقان لعن می‌کند و آنها را مستوجب عذاب الهی می‌شمرد، چگونه این مصونیت غیر منطقی صحابه را در برابر کیفر الهی می‌پسندد؟ آیا این گونه لعن‌ها و تهدیدهای قرآن قابل استثناء است، و گروه خاصی از آن خارج شد؟ چرا، برای چه؟ از همه گذشته آیا چنین حکمی به منزله چراغ سبز دادن به صلابه نسبت به هرگونه گناه و جنایت محسوب نمی‌شود؟

۳- این حکم با متون تاریخ اسلامی به هیچ‌وجه سازگار نیست. زیرا بسیار کسان بودند که روزی در ردیف مهاجران و انصار بودند و سپس از راه خود منحرف شده و مورد خشم و غضب پیامبر (علیه السلام) که توأم با خشم خدا است قرار گرفتند. اگر منظور آنها این است که صحابه پیامبر (علیه السلام) مرتکب هیچ گناهی نشدند و معصوم و پاک از هر معصیتی بودند این از قبیل انکار بدیهیات است و اگر منظور آنست که آنها گناه کردند و اعمال خلافی انجام دادند، باز هم خدا از آنها راضی است، مفهومش این است که خدا رضایت به گناه داده است، چه کسی می‌تواند طلحه و

زبیر و عایشه را از خون مسلمانانی که خونشان در میدان جنگ جمل ریخته شد، تبرئه کند؟ آیا خدا به این خونریزی‌ها راضی بود؟ آیا مخالفت با علی (ع) و شمشیر کشیدن به روی او و یاران وفادارش چیزی است که خدا از آن خشنود و راضی باشد؟

حقیقت این است که طرفداران فرضیه «تنزیه صحابه» با اصرار و پافشاری روی این مطلب چهره پاک اسلام را که همه جا میزان شخصیت اشخاص را ایمان و عمل صالح قرار می‌دهد، زشت ساخته‌اند. رضایت و خشنودی خدا روی یک عنوان کلی قرار گرفته و آن «هجرت» و «نصرت» و «ایمان و عمل صالح» است. تمام صحابه را تابعان مادامی که تحت این عناوین قرار داشتند، مورد رضای خدا بودند و آن روزی که از تحت این عناوین خارج شدند، از تحت رضایت خدا نیز خارج گشتند.

به هر حال به نظر می‌رسد که مسئله تنزیه صحابه به طور مطلق یک حکم سیاسی بوده که گروهی بعد از پیامبر (ص) برای حفظ موقعیت خود روی آن تکیه کردند تا خود را از هرگونه انتقادات مومن و محفوظ دارند و این مطلبی است که نه با حکم عقل سازگار است و نه با تاریخ مسلم اسلامی و شعری است که ما را در قافیه خود گرفتار خواهد کرد.

چه بهتر که ما در عین احترام به صحابه رسول الله (ص) و کسانی که همواره در خط او بودند، معیار قضاوت درباره آنان را احکام و عقائدشان در طول زندگانی‌شان از آغاز تا انجام در نظر بگیریم. همان می‌یابیم که از قرآن استفاده کرده‌ایم و همان معیاری که خود پیامبر (ص) یارانش را از آن سنجید.

نورالله علیدوست خراسانی
جمعه ۱۶ رمضان ۱۴۰۹ قمری
۱۱ خرداد ۱۳۹۷ شمسی